

تحول مسئولیت شرکتهای چندملیتی

نسرین مصفا □

دانشیار گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

حیدرعلی مسعودی

کاندیدای دکتری روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲۳ - تاریخ تصویب: ۸۸/۸/۱۰)

چکیده

شرکتهای چندملیتی کنشگرانی مهم و تاثیرگذار در جهان کنونی به شمار می آیند. گسترش دامنه تاثیرگذاریهای منفی و مثبت این شرکتهای در ورای مرزهای ملی در حیات بیش از پنج دهه ای آنها موجب گسترش مسئولیت آنها نیز گردیده است. سوال اصلی مقاله پیرامون چگونگی تحول این مسئولیت است که ضمن بررسی تحول در دو سطح عمودی و افقی، جدیدترین تحولات حقوقی مورد تاکید قرار می گیرد. مقاله بر این باور است که با گسترش حوزه های فعالیت شرکتهای چندملیتی، مسئولیت آنها در بعد عمودی از اقتصاد تا اخلاق و در بعد افقی از نیروی کار تا کل بشریت را در بر گرفته است. همچنین ضمن تبیین میثاق جهانی ملل متحد در این زمینه به اهمیت اصول ده گانه آن اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی

مسئولیت، شرکتهای چندملیتی، نظام جهانی، حقوق بشر.

مقدمه

امروزه اقدامات شرکت‌های چندملیتی در سطح جهانی همانند اقدامات دولت‌ها از تاثیرگذاری فراوان برخوردار شده است. شرکت‌ها می‌توانند قدرت و نفوذ بیشتر بر افراد و دولت‌ها داشته باشند؛ به گونه‌ای که سرمایه در گردش برخی از این شرکت‌ها از درآمد بسیاری از کشورهای ضعیف جهان بیشتر است. نفوذ و تاثیرگذاری این شرکت‌ها از چنان گستره و دامنه‌ی وسیعی برخوردار شده است که تمام جوانب زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. بازار نئولیبرال جهانی بستری مناسب را برای قدرت‌نمایی شرکت‌های چندملیتی به عنوان کنش‌گرانی موثر و غیر قابل انکار فراهم کرده است تا کالاها و خدمات متنوع مورد نیاز و رو به فزونی انسان‌ها را در اختیار آنها قرار دهند. امروزه تنوع فعالیت و حوزه تاثیرگذاری شرکت‌های چندملیتی به گونه‌ای است که نمی‌توان آنها را بازیگران اقتصادی صرف دانست که بدون دخالت و دست‌اندازی به سایر حوزه‌های حیات بشری به خدمات‌رسانی مفید به انسان‌ها مشغول‌اند. واقعیت این است که در جهان سرمایه‌داری کنونی شرکت‌های چندملیتی موتور محرکه اقتصاد و جامعه به‌شمار می‌آیند و بخشی قابل توجه از منابع مادی و انسانی جامعه را در خدمت منافع تجاری خود قرار داده‌اند. علی‌رغم این تاثیرگذاری فوق‌العاده، این شرکت‌ها اصولاً حامی مقررات‌زدایی، از بین رفتن و یا حداقل کم‌رنگ‌شدن مرزها و گشودگی کامل جامعه برای پذیرش نقش مطلق‌العنان آنها در جامعه هستند. همین ماهیت افسارگسیخته و مرزشکن فعالیت این شرکت‌هاست که از همان ابتدا موجبات اعتراض و نارضایتی جنبش‌های کارگری، زیست محیطی، حقوق بشری و غیره را فراهم کرد و تلاش برای مهار و کنترل اقدامات این شرکت‌ها و تعیین و تصریح مسئولیت آنها در مقابل گروه‌های مختلف ذی‌نفوذ را رفته رفته به دغدغه‌ای جهانی بدل ساخت. سوال اصلی این مقاله این است که مسئولیت شرکت‌های چندملیتی در طول تاریخ فعالیت آنها دچار چه تحول و دگرگونی شده و در بستر این تحول مفهومی چه اقدامات عملی برای تنظیم فعالیت آنها در گستره جهانی انجام شده است. به این منظور تحول عمودی و افقی مسئولیت شرکت‌های چندملیتی در دو بخش بررسی می‌شود.

گسترش عمودی مسئولیت از اقتصاد تا اخلاق

شرکت‌های چندملیتی در گذشته صرفاً کنش‌گرانی اقتصادی بودند که اصولاً با مواد خام، بازار مصرف و نیروی کار سر و کار داشتند. اما امروزه دامنه فعالیت این شرکت‌ها به گونه‌ای گسترش یافته که دیگر نمی‌توان حوزه تاثیرگذاری آنها را به اقتصاد محدود دانست و آنها را صرفاً بازیگران اقتصادی نامید. ورود این شرکت‌ها به عرصه‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی و در نتیجه تبعات و پیامدهای فعالیت آنها برای محیط زیست، جامعه و افراد، ضرورت بررسی مسئولیت آنها را به موازات این گسترش دامنه نفوذ ایجاب می‌کند. تحول

عمودی مسئولیت شرکت‌ها به این معناست که به موازات تاثیرگذاری شرکت‌های چندملیتی بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی و فردی انسان‌ها، مسئولیت آنها متناسب با این ابعاد گوناگون گسترش یافته است که در ادامه مقاله این تحول بررسی می‌شود.

مسئولیت اقتصادی

مسئولیت اقتصادی شرکت‌های چندملیتی به این معناست که مبنای واقعی فعالیت شرکت‌های چندملیتی فارغ از هر نوع دغدغه غیراقتصادی، سودآوری و فروش هر چه بیشتر کالاها و خدمات تولیدی آنهاست. به عبارت دیگر، منطق اقتصادی است که راهبردها و برنامه‌های سالانه این شرکت‌ها را دیکته می‌کند. میلتن فریدمن اقتصاددانان نئولیبرال معتقد است: «یک و تنها یک مسئولیت اجتماعی برای اقتصاد وجود دارد و آن بهره‌برداری از منابع و حداکثرسازی سود در یک رقابت باز و آزاد و فارغ از فریب و کلاهبرداری است» (Desjardins and McCall 1990: 4-11). به عبارت دیگر، نقش اقتصاد در جامعه تولید ثروت و افزایش سطح اشتغال است و نه چیز دیگر. از این منظر هرچه سرمایه‌گذاری خارجی شرکت‌های چندملیتی در جامعه بیشتر شود، سطح رفاه اقتصادی مردم آن جامعه افزایش می‌یابد (Meyer and Stefanova 2001: 4-502) و این شرکت‌ها مسئولیتی غیر از این ندارند. در چنین حالتی حتی اگر سهامداران این شرکت‌ها دغدغه‌های غیراقتصادی داشته باشند صرفاً به این علت است که فکر می‌کنند بهره‌وری و سودآوری بلندمدت شرکت در گرو توجه هرچند اندک به مسئولیت‌های اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های کلان آنهاست (Friedman 1990: 8-12). به عبارت دیگر مبنای رفتار شرکت‌ها همچنان منطق سودآوری بیشتر آنهاست. این منطق اقتصادی حتی در ایده «هماهنگ‌سازی» (Harmonization) قوانین ناظر بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی در کشورهای مختلف که توسط بگاواتی (Bhagwati) ارائه شده است نیز به چشم می‌خورد. منطق اقتصادی نهفته در پس این مفهوم آن است که به دلیل وجود حوزه‌های مختلف صلاحیت در جهان، مکانیزم بازار نمی‌تواند استانداردهای اقتصادی هماهنگ در همه مناطق به وجود آورد. بنابراین، هماهنگ‌سازی هنجاری از بالا به پائین از کاهش یک‌جانبه سطح استانداردهای داخلی و در نتیجه کسب سود و تحمیل ضرر به دیگر کشورها جلوگیری می‌کند (Meyer and Stefanova 1999: 5-6). این برداشت تا اواسط دهه ۷۰ میلادی حکم‌فرما بود و پس از آن رفته رفته تغییر یافت.^۱

^۱ - اخیراً حتی سازمان‌های اقتصادی جهانی مثل سازمان تجارت جهانی نیز دغدغه‌های حقوق بشری را مورد توجه قرار داده‌اند. بنگرید به: (Dommen 2002).

مسئولیت اجتماعی

سال ۱۹۷۴ نقطه آغاز تحول در مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چندملیتی و گذار از مسئولیت صرف اقتصادی است. در این سال، کمیسیون ملل متحد در ارتباط با شرکت‌های فراملی (UN Commission on Transnational Corporations) تحت فشار کشورهای در حال توسعه به عنوان ارائه‌کنندگان طرح نظام نوین بین‌الملل قدم‌های نخستین را در جهت مهار قدرت مخرب و افسارگسیخته این شرکت‌ها برداشت (نگاه کنید به: O'Brien and Williams 2004: 457; Ratner 2002: 191). استدلال تدوین‌کنندگان این ضوابط و مقررات این بود که یک شرکت چندملیتی جدای از منافع و مزایایی که ممکن است برای افراد جامعه داشته باشد، معایب و مضار جانبی برای نیروی کار و محیط پیرامونی خود نیز به همراه دارد. از این‌رو باید ضوابط مدون کاری‌ای وجود داشته باشد که این آثار مخرب را به حداقل برساند. بخشی از این ضوابط پیش از این در چارچوب آئین‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، تدوین شده بود و بخشی دیگر نیاز به تدوین داشت. امروزه شکل تکامل یافته و البته همچنان ناقص این ضوابط در میثاق جهانی ملل متحد متبلور است که در بخش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت. بنابراین، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چندملیتی را چه به عنوان «مشارکت در توسعه پایدار جوامع و افزایش فواید و کاهش مضرات آنها» تعریف کنیم، چه آن را «وظیفه پاسخگویی یک شرکت در قبال تمام سهامداران‌اش» بدانیم باید گفت که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به این معناست که «یک بنگاه اقتصادی به عنوان عضوی از جامعه بر اساس اخلاق و تعهدات قانونی خود عمل کرده و هرگونه تاثیر منفی ناشی از اقدامات خود را بر محیط زیست، جامعه و بهداشت انسان‌ها کاهش دهد» (Zerk 2006: 15-32). شرکت‌ها نیز نسبت به اهمیت مسئولیت اجتماعی خود واقف شده‌اند؛ به طوری که حدود ۱۰۰۰۰۰ صفحه وب در تارنما‌های اختصاصی شرکت‌های چندملیتی به موضوع مسئولیت اجتماعی آنها اختصاص یافته است (Ruggie 2004). مسئولیت زیست‌محیطی شرکت‌ها را به دلیل اهمیت آن به طور جداگانه در بخش بعدی بررسی می‌شود.

مسئولیت زیست‌محیطی

فجایع زیست‌محیطی ناشی از فعالیت شرکت‌های چندملیتی از جمله اقدامات مخرب شرکت یونیون کربید در بوپال هند، تاسیسات صنعتی شمال مکزیک (Maquiladora) و السالوادور، کارگاه‌های شرکت نایکی در اندونزی و پاکستان و کارخانه‌های شرکت وال مارت در هندوراس (Monshipouri et. al. 2003:975) که در آنها صدها هزار نفر از مردم بومی جان خود را از دست داده و یا دچار انواع صدمات جسمی و روحی شدند، از اواسط دهه ۸۰ میلادی این آگاهی را نزد افکار عمومی جهان ایجاد کرد که شرکت‌های چندملیتی در پس ظاهر شکل

خود، فجایع زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر را رقم می‌زنند که در صورت عدم جلوگیری و مهار، ممکن است به نابودی کل زمین منجر شود. به‌طور مشخص پس از اولین فاجعه زیست‌محیطی ناشی از فعالیت شرکت‌های چندملیتی در بوپال هند در سال ۱۹۸۴ (برای بررسی مفصل فاجعه بوپال بنگرید به: Meyer 1998: 142-56) بحث مسئولیت زیست‌محیطی این شرکت‌ها با جدیت بیشتر مورد توجه نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی قرار گرفت و در قالب اصول ۱۰ گانه میثاق جهانی ملل متحد نهادینه شد برای بررسی جامع اقدامات انجام گرفته در این زمینه بنگرید به: Clapp (2005)؛ تا جایی که امروزه بسیاری از شرکت‌های چندملیتی در کنار گزارش مالی، گزارشی از اقدامات زیست‌محیطی خود را نیز منتشر می‌کنند که در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

دانمارک نخستین کشور اروپایی است که از سال ۱۹۹۵ انتشار اطلاعات زیست‌محیطی خود را براساس قانون حسابرسی زیست‌محیطی (green accounting law)، تحت یک چارچوب قانونی رسمی درآورده است. براساس این قانون، شرکت‌هایی که اقدامات آنها «تاثیر قابل توجهی» (significant impact) بر محیط زیست دارد، باید به‌طور سالانه در خصوص تاثیرات زیست‌محیطی فعالیت‌ها و اقدامات جبرانی خود به اطلاع‌رسانی بپردازند. چنین قوانینی در هلند نیز اجرا می‌شود. نروژ و سوئد نیز قوانینی را در اواخر دهه ۱۹۹۰ وضع کردند که به موجب آنها، شرکت‌ها موظف‌اند اطلاعات مربوط به تاثیرات زیست‌محیطی فعالیت‌های‌شان را به عنوان بخشی از گزارش مالی خود ارائه و منتشر کنند. فرانسه نیز مجموعه‌ای از مقررات اقتصادی را در سال ۲۰۰۱ وضع کرد که براساس آنها همه شرکت‌های فرانسوی حاضر در بازار بورس فرانسه باید اطلاعات مربوط به اقدامات اجتماعی و زیست‌محیطی خود را در گزارش‌های سالانه خود بگنجانند. از همه مهم‌تر اینکه این گزارش‌ها باید شامل اطلاعات مربوط به تاثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی شعب خارجی نیز باشد. تمایل به انتشار اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها محدود و منحصر به اروپا نیست. برای نمونه قانون شرکت‌های استرالیایی (Australian corporations act) که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسیده است از شرکت‌های استرالیایی می‌خواهد که اطلاعات مربوط به اقدامات زیست‌محیطی خود را در گزارش‌های سالانه‌ی خود بگنجانند. شرکت‌های آمریکایی نیز موظف به ارائه اطلاعات دقیق و همراه با جزئیات، در مورد فعالیت زیست‌محیطی خود هستند. برای مثال، این شرکت‌ها موظفند هزینه‌های اجرای ضوابط زیست‌محیطی را نیز در گزارش‌های خود بیاورند. شرکت‌های آمریکایی همچنین موظفند سوانح زیست‌محیطی را در سند تحلیل و بررسی مدیریت (management's discussion and analysis) خود که جزئی از گزارش سالانه شرکت‌هاست بیاورند. دولت انگلستان اخیراً راه‌های دیگری را برای تشویق و ترغیب شرکت‌های چندملیتی به شفافیت در موضوعات اجتماعی و زیست‌محیطی پیگیری کرده است.

قوانین مصوب سال ۲۰۰۵ در این کشور که با هدف به روز کردن و نوسازی قانون شرکت‌ها (company law) تصویب شده است، انتشار گزارش مالی و عملیاتی سالانه (annual operating and financial review) را برای تمام شرکت‌ها اجباری کرده است. اجرای این مقررات، مدیرانی را می‌طلبد که اطلاعات جامع درباره اقدامات حال، گذشته و آینده شرکت‌ها در بعد استانداردهای زیست‌محیطی و اجتماعی را تجزیه و تحلیل کنند (برای بررسی مفید در این زمینه بنگرید به: Zerk 2006: 172-76).

مسئولیت اخلاقی مبتنی بر حقوق بشر^۲

مسئولیت اخلاقی مبتنی بر حقوق بشر عمیق‌ترین لایه مسئولیت شرکت‌های چندملیتی است. این نحوه برداشت از مسئولیت بنگاه‌های اقتصادی که جنبه‌ای هنجاری و ایجابی دارد قائل به این است که شرکت‌های چندملیتی در قبال حقوق بشر به معنای تام و تمام کلمه مسئولیت اخلاقی دارند (به طور کلی بنگرید به: Business and Human Rights Centre 2007). وجه تمایز این مسئولیت، شمولیت و فراگیری آن است. برخی از نهادهای بین‌المللی در جهت تدوین و ضابطه‌مند کردن این مسئولیت گام برداشته‌اند. اصول و توصیه‌ها در ارتباط با مسئولیت اخلاقی و اجتماعی شرکت‌ها از بعد حقوق بشری (Principles and Recommendations Concerning Ethical and Social Responsibility in the Field of Human Rights 1996) که توسط سازمان عفو بین‌الملل تهیه شده است از این جمله‌اند. بر این اساس، عفو بین‌الملل صرفاً وظیفه خود می‌داند که موارد نقض حقوق بشر در شرکت‌های چندملیتی را شفاف و صریح به اطلاع عموم برساند. عفو بین‌الملل معتقد است که یک شرکت چندملیتی به سه طریق می‌تواند حقوق بشر را نقض کند:

- ۱ - کالاها و خدماتی عرضه کند که دیگران از آنها برای نقض حقوق بشر بهره می‌برند؛
- ۲ - آگاهانه با افراد و شرکت‌های ناقض حقوق بشر همکاری کند؛
- ۳ - خودش مستقیماً مرتکب نقض حقوق بشر شود.

توصیه عفو بین‌الملل به شرکت‌های چندملیتی در ارتباط با حقوق بشر در سه سطح است:

- ۱ - این شرکت‌ها باید اصولی خاص را در دستورالعمل‌های داخلی خود بگنجانند؛
- ۲ - این شرکت‌ها باید به حقوق بشر در محیط‌های کاری خود احترام بگذارند؛

^۱ - در کنار نظام گزارش‌دهی مجزای هر شرکت، سازمان غیردولتی به نام ابتکار گزارش‌دهی جهانی (Global Reporting Initiative) در آلمان تأسیس شده است که هدف آن استانداردسازی نظام‌های گزارش‌دهی در سطح جهانی است. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به تارنما این سازمان به آدرس: www.globalreporting.org/ReportsDatabase/

^۲ - برای جواب به این سوال که آیا شرکت‌های چندملیتی اساساً واجد مسئولیت‌های اخلاقی هستند یا نه مراجعه کنید به: (Lane 2005: 229-50).

۳- این شرکت‌ها باید در جهت ارتقاء حقوق بشر در خارج از محیط کاری خود تلاش کنند.

این اصول از فرایند تدوین مقررات و دستورالعمل‌های داخلی شرکت‌ها در ارتباط با حقوق بشر حمایت کرده و اصولی را برای راهنمایی شرکت‌ها در این زمینه تدوین کرده است. از جمله مسایل مطرح در این اصول و توصیه‌ها از این قرارند: عدم تبعیض در استخدام، امنیت افراد (شرکت‌هایی که دارای نیروهای انتظامی جداگانه هستند باید بر این نیروها نظارت کنند)، عدم فروش کالاها به افرادی که ناقض حقوق بشرند و از آن کالاها در نقض حقوق بشر بهره می‌برند، جلوگیری از برده‌داری و کار کودکان، اختصاص زمان و ساعات کار مناسب که مانع تفریح و استراحت کارگران نشود، اعطای مرخصی‌های لازم به آنها، حمایت غیرمستقیم از حق آموزش کارگران، عدم دخالت در کار اتحادیه‌های کارگری، اعطای کمک هزینه‌های داروئی، مسکن، بیمه و ... به کارگران. سازمان عفو بین‌الملل همچنین از شرکت‌ها می‌خواهد که این اصول را در محیط‌های کاری خود و خارج از این محیط‌ها تقویت و رعایت کنند (Meyer and Stefanova 2001). سازمان ملل متحد همچنین در سال ۲۰۰۳ پیش‌نویس قواعد ناظر بر مسئولیت شرکت‌های فراملی و دیگر نگاه‌های اقتصادی در ارتباط با حقوق بشر را تهیه کرد و آنرا مقدمه‌ای برای تصویب نهایی یک کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه قرار داد. این پیش‌نویس شامل تعهدات شرکت‌های فراملی در ارتباط با محیط زیست، حاکمیت ملی، حقوق کارگران، حقوق مصرف‌کنندگان و وظایف کلی شرکت‌های فراملی است. تدوین و اجرای این مقررات در ابتدای راه خود قرار دارد و به بیان لایسینگر مشاور ویژه دبیر کل در امور مربوط به میثاق جهانی «تدوین مجموعه‌ی قابل پذیرش و معناداری از مسئولیت‌های حقوق بشری شرکت‌ها و اجرای آنها در فعالیت‌های روزمره شرکت‌ها از طریق فرآیندهای مدیریتی وظیفه و چالش اصلی ما در آینده است» (Leisinger 2006: 5). در این بخش از مقاله، تحول مفهوم مسئولیت شرکت‌های چندملیتی از بعد گسترش عمودی آن و در قالب چهار مسئولیت اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی بررسی شد که مشخص گردید مفهوم مسئولیت شرکت‌های چندملیتی در طول حیات ۶۰-۵۰ ساله خود شاهد تحول ماهوی از لایه‌های سطحی مسئولیت اقتصادی و اجتماعی به لایه‌های عمیق‌تر مسئولیت زیست‌محیطی و اخلاقی بوده است. شرکت‌های چندملیتی که زمانی تنها وظیفه خود را رشد اقتصادی تلقی می‌کردند امروزه در تمام زوایای زندگی انسان‌ها از جمله زوایای اخلاقی و فرهنگی نقش و در نتیجه مسئولیت دارند. به موازات این گسترش عمودی، شاهد گسترش افقی این مفهوم نیز هستیم که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

گسترش افقی مسئولیت از نیروی کار تا کل بشریت

تا پیش از این، اعتقاد بر این بود که شرکت‌های چندملیتی صرفاً در مقابل نیروی کار خود مسئولیت دارند نه فراتر از آن. چرا که کارگران و کارفرمایان بر اساس قوانین ملی از حقوق و وظایف متقابل برخوردارند که باید به آن عمل کنند. در این نحوه تلقی، تبعات و تاثیرات اقدامات شرکت‌ها بر جامعه و یا تک‌تک افراد بشر مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفت. همین‌که شرکت می‌توانست بر اساس قوانین ملی مجوز فعالیت دریافت کند و بر اساس همان قوانین، تکالیف حقوقی خود را در مقابل نیروی کار و پرسنل خود انجام دهد، کافی دانسته می‌شد. اما امروزه این چارچوب فکری فرو ریخته است و شرکت‌ها نه تنها در مقابل نیروی کار خود بلکه در مقابل جامعه و کل افراد بشر مسئول تلقی می‌شوند. چرا که نفوذ آنها در تاثیرگذاری بر کیفیت زندگی افراد بشر آن‌چنان گسترش یافته است که توسعه افقی مسئولیت این شرکت‌ها را ایجاب می‌کند.

مسئولیت در قبال نیروی کار

شوروی در طول جنگ سرد مدافع نیروی کار و حقوق آنها در عرصه بین‌المللی بود. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ که در سال ۱۹۷۴ به اجراء درآمد تجسم عینی این حمایت بود. تلاش‌های اولیه ناظر بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی با الهام‌گرفتن از قوانین سازمان بین‌المللی کار به تدوین ضوابط کاری در زمینه شرایط زندگی و دستمزد، شرایط محیط کار، حق تشکیل اجتماعات کارگری، حق برخورداری از بهداشت و غیره پرداخت. روند تدوین این ضوابط و مقررات همچنان ادامه دارد تا جایی که گزارش کمیساری عالی حقوق بشر ملل متحد در سال ۲۰۰۵ تعهدات شرکت‌های چندملیتی در قبال نیروی کار خود را این‌گونه بیان می‌کند: حق تشکیل اجتماعات، حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی، حق آموزش، حق بهداشت و امنیت کاری و حق داشتن حریم خصوصی (Ratner 2002: 478-8). مسئولیت در قبال نیروی کار کامل‌ترین، نهادینه‌شده‌ترین و قابل‌قبول‌ترین مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چندملیتی است. به‌طوری که اکثر شرکت‌ها در این زمینه اقدامات مفید و موثر انجام داده‌اند. مثلاً شرکت‌هایی چون نایکی و ریبوک برای بهبود تصویرشان نزد افکار عمومی، زمینه کاری مناسب‌تری را برای نیروی کار خود فراهم کرده‌اند (Meyer and Stefanova 2001). شرکت بی‌پی در «گزارش پایداری سال ۲۰۰۳» (BP's 2003 sustainability report) خود آورده است: «ما به عنوان یک بنگاه اقتصادی جهانی، نسبت به احترام و حمایت از حقوق بشر بسیار حساسیم. هدف ما اطمینان از این مسئله است که در مقابل حقوق کارمندان و مقاطعه‌کاران‌مان مسئولانه عمل کنیم» (Zerk 2006: 42). بنابراین شرکت‌های چندملیتی در نزدیک‌ترین حلقه به خود ابتدا در مقابل نیروی کار خود مسئولیت دارند. طبعاً در این تلقی سنتی، جامعه میزبان که

شرکت‌ها در آن مشغول به کار هستند یا افراد و گروه‌های ذی‌نفع دیگری که ممکن است تحت تاثیر فعالیت آنها باشند جایگاهی ندارند.

مسئولیت در قبال جامعه

مفهوم مسئولیت در گسترش افقی خود به حلقه بعدی از حلقه‌های نفوذ شرکت‌های چندملیتی می‌رسد. در این تلقی جدید از مفهوم مسئولیت، شرکت‌های چندملیتی نه تنها در مقابل نیروی کار خود به عنوان نزدیک‌ترین افراد بلکه در مقابل کل جامعه، افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ آن مسئولیت دارند. به عبارت دیگر، شرکت‌های چندملیتی در بستر کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه به فعالیت می‌پردازند و در نتیجه باید در مقابل مردم این جوامع پاسخگو باشند. ظهور «نگرانی‌های مردم‌محور» (people-center) در ارتباط با فعالیت شرکت‌های چندملیتی یا «منازعه سیاسی جدید بین مردم و شرکت‌ها» حاکی از همین تحول مفهومی است (Zerk 2006: 7-8). به همین دلیل است که بسیاری از فعالان حقوق بشری به دنبال این هستند که مسئولیت‌پذیری شرکت‌های چندملیتی در قبال نقض حقوق بشر را در چارچوب قوانین ملی تعریف کنند. مهم‌ترین این قوانین ملی قانون ATCA در آمریکا است که پرونده‌های متعدد نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های چندملیتی در چارچوب آن در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا مطرح شده است (Zerk 2006: 42-44; Pinkney 2005). شرکت‌های چندملیتی نیز این واقعیت را پذیرفته‌اند که باید نسبت به سرنوشت و منزلت جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند حساس باشند. در تارنما رسمی شرکت ریو تینتو آمده است: «ما درصدد کسب اطمینان از این مسئله هستیم که حضور شرکت ما روابط مناسب با جامعه را تقویت می‌کند و از تضاد و درگیری جلوگیری به عمل می‌آورد. شرکت ریو تینتو منزلت، رفاه و حقوق کارمندان، خانواده‌ها، جوامع محلی و دیگر گروه‌هایی که تحت تاثیر اقدامات آن قرار دارد را مورد احترام و حمایت خود خواهد داشت. هر جا حقوق این افراد مورد تهدید قرار بگیرد، استانداردهای بین‌المللی را رعایت خواهیم کرد و از موارد نقض حقوق بشر جلوگیری به عمل خواهیم آورد. ما اطمینان داریم که تجهیزات و تاسیسات شرکت ما در نقض حقوق آنها مورد سوءاستفاده قرار نخواهند گرفت» (Zerk 2006: 42).

امروزه فراتر از مسئولیت در قبال جامعه، از مسئولیت در قبال کل افراد بشری سخن گفته می‌شود که بنیان مفهوم مسئولیت شرکت‌های چندملیتی را دچار تحول افقی کرده و موجب گسترش آن در عرصه گیتی گردیده است.

مسئولیت در قبال کل افراد بشری

مفهوم مسئولیت شرکت‌های چندملیتی در آخرین مرحله از گسترش افقی خود شامل کل افراد بشری می‌شود. مسئولیت در قبال کل افراد بشری گویای این واقعیت ملموس است که امروزه

گستره نفوذ و تاثیرگذاری شرکت‌های چندملیتی فراتر از نیروی کار، جامعه و گروه‌های اجتماعی ذی‌نفوذ، شامل کل افراد بشری است؛ گو اینکه شرکت‌های چندملیتی در بستری واحد و یکپارچه از تعاملات بشری در عرصه جهانی به کنش‌گری می‌پردازند و تصمیمات و اقدامات آنها تأثیری فراگیر برای همه بشریت دارد. گستره نفوذ جهانی شرکت‌های چندملیتی، امکان نظری تشکیل رژیم جهانی ناظر بر مسئولیت‌های حقوق بشری شرکت‌های چندملیتی را فراهم کرده است. چرا که شرکت‌های چندملیتی از چنان توانمندی و تاثیرگذاری بر حیات انسان‌ها در عرصه جهانی برخوردار شده‌اند که از توانایی و نفوذ بسیاری از دولت‌ها فراتر رفته است. بنابراین، لازم است تحت نظارت رژیم‌های بین‌المللی قرار گیرند (برای بررسی جامع با رویکرد حقوقی در این زمینه بنگرید به: Ratner 2002). رژیم جهانی ناظر بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی در مراحل ابتدائی تشکیل خود قرار دارد. پیش‌نویس قواعد ناظر بر مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی و دیگر بنگاه‌های اقتصادی که توسط سازمان ملل متحد تهیه و برای ارزیابی اولیه منتشر شده است، نخستین گام در این زمینه به شمار می‌آید. کمیسیون فرعی ملل متحد برای ترویج و حمایت از حقوق بشر نیز در سال ۲۰۰۰ مجموعه ضوابطی را برای هدایت فعالیت شرکت‌های فراملی تدوین کرده است (UN Charter-based Literature Database 2002). این قواعد حقوق نرم نامیده می‌شوند که رفته‌رفته به شکل رویه‌های جهان‌شمول درآمده و در قالب رژیم‌های بین‌المللی به حقوق سخت تبدیل می‌شوند. اقدام ابتکاری دیگر ایجاد نمایندگی ویژه دبیرکل برای کسب و کار و حقوق بشر (Secretary-General for Business Special Representative of the and Human Rights) است که وظیفه دارد امکان تعامل و تبادل نظر سازمان‌یافته و سازندهی دولت‌ها، شرکت‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی، طرفداران محیط زیست و جنبش‌های حقوق بشری را در این چارچوب نهادی جدید فراهم کند و جنبه‌های حقوق بشری و زیست‌محیطی فعالیت شرکت‌های فراملی را در کانون توجه جهانیان قرار دهد و در جهت تدوین استانداردها و مقررات راهنمای عمل شرکت‌های فراملی اقدام کند. مسئولیت شرکت‌های چندملیتی بر اساس حوزه‌های مختلف تاثیرگذاری در شکل صفحه آخر نشان داده شده است.

گسترش افقی و عمودی مسئولیت: میثاق جهانی ملل متحد

میثاق جهانی ملل متحد (UN Global Compact) جامع‌ترین سند جهانی تا به امروز است که حاوی اصول ۱۰ گانه حاکم بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی است. این سند به لحاظ عمق مسئولیت، شامل حقوق بشر بین‌المللی، حقوق اجتماعی نیروی کار و به ویژه مسئولیت‌های زیست‌محیطی شرکت‌های چندملیتی است. به لحاظ گستره شمولیت نیز حاوی مسئولیت‌های شرکت‌های چندملیتی در قبال کل افراد بشری است.

اصول ۱۰ گانه میثاق جهانی که شرکت‌های فراملی باید بر اساس آن عمل کنند، از سه سند مهم بین‌المللی استخراج شده است. این اسناد عبارت‌اند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار سازمان بین‌المللی کار و اعلامیه محیط زیست و توسعه ریو. این اصول ۱۰ گانه بدین شرح هستند:

- ۱) حمایت و احترام به پاسداری از حقوق بشر پذیرفته شده بین‌المللی؛
- ۲) عدم مشارکت در نقض حقوق بشر؛
- ۳) آزادی تشکیل اجتماعات و شناسایی موثر حق چانه‌زنی جمعی کارگران؛
- ۴) لغو تمام اشکال کار اجباری و الزامی؛
- ۵) لغو موثر کار کودکان؛
- ۶) لغو تبعیض در استخدام و اشتغال؛
- ۷) رویکرد پیشگیرانه به چالش‌های زیست محیطی؛
- ۸) بر عهده گرفتن مسئولیت بیشتر در رابطه با محیط زیست؛
- ۹) حمایت از توسعه و اشاعه تکنولوژی‌های غیر مخرب زیست محیطی؛
- ۱۰) مبارزه با تمام اشکال فساد شامل اخاذی و ارتشاء.

این اصول ۱۰ گانه، رویه‌های مطلوب و پذیرفته شده جهانی هستند که از شرکت‌ها انتظار می‌رود آنها را در حوزه‌های مربوطه رعایت کنند. هدف این اصول که از حمایت سازمان ملل متحد برخوردار است، توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در سطح جهان و شهروندی مطلوب آنهاست (Whitehouse 2003: 299; Clapp 2005). میثاق جهانی از جهات مختلف مورد انتقاد و یا تأیید قرار گرفته است. دیدگاه تأییدآمیز امثال راکی معتقد است که «میثاق جهانی جدای از اینکه طرح ابتکاری سازمان ملل متحد برای تغییر رفتار شرکت‌هاست، تجربه‌ای است از طراحی اشکال اساساً نوینی از حکمرانی جهانی» (Maniruzzman 2005). مری رابینسون معتقد است میثاق جهانی چیزی نیست جز ترغیب شرکت‌ها به تنظیم فعالیت خود، رعایت اخلاق و حمایت از استانداردهای حقوق بشری و زیست محیطی، به جای رعایت ضوابط الزامی حقوقی. او تردید دارد که این ضوابط اخلاقی به‌طور کامل و موثر به اجرا درآید و به همین علت بر این باور است که جهان به سمت تدوین نظام حقوقی برای پاسخگویی شرکت‌ها در قبال تأثیرات حقوق بشری و زیست محیطی اقدامات‌شان حرکت خواهد کرد. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که «دقت و انسجام یک رژیم حقوقی، منجر به تقویت بنیان‌های ارزشی جهانی شدن اخلاقی خواهد شد» (Rabinson 2002). لایسینگر مشاور ویژه دبیر کل در امور مربوط به میثاق جهانی، میثاق جهانی را نوعی چارچوب/ارجاع (reference framework) می‌داند که دو هدف اشاعه‌ی اصول ده‌گانه در فعالیتهای اقتصادی در سراسر جهان و حمایت از اهداف ملل متحد را دنبال می‌کند. به نظر او ایده‌ی اصلی میثاق جهانی این است که شرکت‌های فراملی نه تنها

باید حداقل اخلاقی (ethical minimum) را در ارتباط با شرایط کاری، حفاظت از محیط زیست و مبارزه با فساد رعایت کنند بلکه باید در حوزه‌ی نفوذ خود ۲ اصل زیر را رعایت کنند:

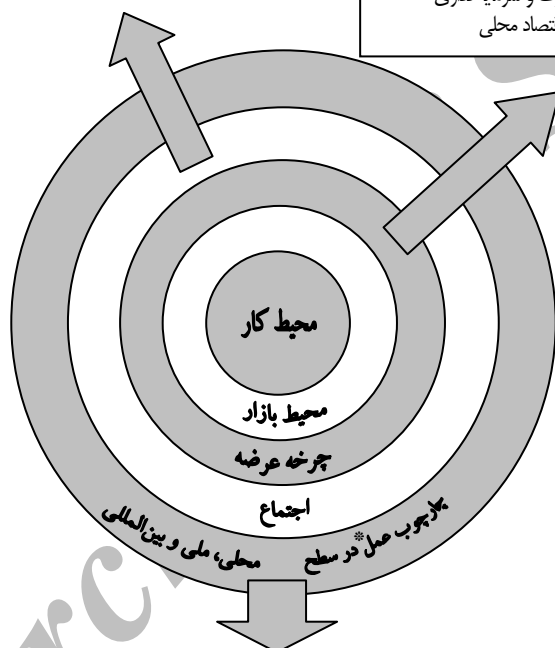
- ۱- احترام و حمایت از حقوق بشر؛
 - ۲- اطمینان از اینکه در نقض حقوق بشر همکاری و مشارکتی ندارند (Leisinger 2006: 7).
- میثاق جهانی ملل متحد فراهم‌کننده‌ی بنیانی برای گفتگوی ساختاری (structured dialogue) بین سازمان ملل متحد، ارباب اقتصاد، کارگران و جامعه مدنی در رابطه با بهبود عملکرد شرکت‌ها در محیط و عرصه‌ی اجتماعی است. این میثاق ماهیت شهروندی جهانی شرکت‌ها را نشان می‌دهد و فرصت گفتگوی متمرکز، هدفمند، سازنده و میانجی‌گرانه را فراهم می‌کند. ولی فاقد سازوکارهای نظارتی است (Monshipouri et. al. 2003: 980). با وجود این، نمونه‌ای است از گسترش همزمان افقی و عمودی مسئولیت شرکت‌های چندملیتی.

نتیجه

سوال اصلی این مقاله این بود که مسئولیت شرکت‌های چندملیتی به موازات گسترش دامنه و افزایش عمق تاثیرگذاری آنها چه تحولی را از سر گذارنده است. در بخش اول مقاله تحول عمودی مسئولیت شرکت‌های چندملیتی و در قالب آن، مسئولیت اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی این شرکت‌ها بررسی شد. سپس به تحول افقی مسئولیت و بر اساس آن مسئولیت شرکت‌ها در قبال نیروی کار جامعه و کل افراد بشری پرداختیم و در نهایت میثاق جهانی ملل متحد را به عنوان نماد گسترش افقی و عمودی مسئولیت شرکت‌ها مورد بررسی قرار دادیم. از مطالب بالا می‌توان به این جمع‌بندی کلی رسید که در کنار گسترش دامنه و نفوذ فعالیت شرکت‌های چندملیتی مسئولیت آنها نیز در ابعاد مختلف گسترش یافته است. اگرچه ضوابط ناظر بر فعالیت این شرکت‌ها در برخی موارد همچنان غیرالزامی و داوطلبانه هستند اما امید می‌رود با مشارکت همه طرف‌های ذی‌نفع یعنی طرفداران حقوق بشر، حقوق کارگران، حقوق مصرف‌کنندگان، محیط زیست و نیز نمایندگان شرکت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی رژیم بین‌المللی ناظر بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی تدوین شده و به اجراء درآید.

گسترش افقی مسئولیت شرکت‌های چندملیتی حوزه‌های تاثیر گذاری بنگاه اقتصادی

سرمايه‌گذاري اجتماعي و اقدامات بشردوستانه	فعاليت‌هاي اصلي اقتصادي
<p>جمع‌آوری منابع و توانمندی‌هایی چون پول، کالا، دانش فنی، اماکن و افراد، برای کمک، پشتیبانی و تقویت جوامع محلی از طریق:</p> <ul style="list-style-type: none"> - توسعه فعالیت اقتصادی، آموزش، ارتقاء زندگی جوانان و پیشبرد طرح‌های زیست‌محیطی، بهداشتی و تغذیه در جوامع محلی - ظرفیت‌سازی مدیریتی، فنی، مالی و اداری برای رهبران، فعالان اجتماعی، متخصصان و دیگر سازمان‌های محلی 	<p>تحقیق و توسعه، بازاریابی، توزیع، قیمت‌گذاری و واگذاری کالاها و خدماتی که می‌توانند به اشکال مختلف در توسعه بین‌المللی نقش داشته باشند این اقدامات باید مطابق مقررات و با توجه به ریسک‌های موجود انجام گیرد و تاثیرات منفی اجتماعی و زیست‌محیطی را به حداقل رسانده و در عین حال سودآور باشند. این اقدامات از طرق زیر می‌توانند منجر به سودآوری برای کشورهای میزبان شوند:</p> <ul style="list-style-type: none"> - گسترش استانداردها و رویه‌ها مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها - تولید کالاها و خدمات قابل اعتماد و ارزان - ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی - حمایت از توسعه و انتقال فناوری - ایجاد اشتغال - توسعه منابع انسانی - تولید ثروت و سرمایه‌گذاری - تقویت اقتصاد محلی



گفتگوی عملی و فعالیت‌های حمایتی	* چارچوب عمل = ضوابط، مقررات، مشوق‌های مالی، اصول راهنما و آئین‌نامه‌های رفتاری داوطلبانه، افکار عمومی، ساختارهای نهادی، مکانیزم‌های پولی، تحقیق، آموزش، ظرفیت‌سازی، رسانه‌ها و ...
<p>انجام اقدامات فردی و جمعی برای تغییر محیط عملیاتی، ظرفیت‌سازی بهبود حکمرانی خوب و حمایت از تغییرات منظم در سطح محلی، ملی و جهانی:</p> <ul style="list-style-type: none"> - حمایت از اجرای موثر هنجارهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، حقوق کارگران و مبارزه با ارتشاء، فساد و حفظ محیط زیست - همکاری شرکت‌ها با دولت‌ها در زمینه توانمندی‌ها، تکنولوژی، دانش فنی و منابع در جهت کمک به ارتقاء توانمندی جامعه در حوزه‌های اقتصادی، آموزش و بهداشتی - مساعدت دولت‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به بازارهای خارجی - حمایت از تجارت منصفانه و کمک‌های اقتصادی موثر - مشارکت در گفتگوهای چندجانبه بین طرف‌های ذی‌نفع حول مشکلات پیچیده فراگیری چون فساد، بهداشت، آموزش، امنیت، تغییرات آب و هوایی و ... 	<p>Source: Nelson (2002) & Nelson (1996)</p>

منابع و مأخذ:

1. Business and Human Rights Center (2007) available at: <http://www.businesshumanrights.org/categories/issues/other/housing>.
2. Clapp, Jennifer (2005) "Global Environmental Governance for Corporate Responsibility and Accountability." **Global Environment Politics**, Vol. 5, No. 3.
3. Desjardins, Joseph R. and John J. McCall (1990) **Contemporary Issues in Business Ethics**. California: Wadsworth Publishing Company, eds.
4. Dommén, Caroline (2002) "Raising Human Rights Concerns in the World Trade Organization: Actors, Processes and Possible Strategies." **Human Rights Quarterly**, Vol. 24.
5. Friedman, Milton (1990) "The Social Responsibility of Business Is to Increase Its Profits." In Desjardins, Joseph R. and John J. McCall, **Contemporary Issues in Business Ethics**. California: Wadsworth Publishing Company, eds.
6. Lane, Melissa (2005) "The Moral Dimension of Corporate Accountability." in Andrew Kuper, **Global Responsibilities: Who Must Deliver on Human Rights?** New York: Routledge, ed.
7. Leisinger, Klaus M. (2006) "on Corporate Responsibility for Human Rights.", available at www.novartisfoundation.org
8. Maniruzzaman A.F.M. (2004) "Global Governance, International Political Economy and the Global Legal Order – The Challenge Ahead." **Manchester Journal of International Economic Law**, Vol. 1, No. 4.
9. Meyer, William (1998) **Human rights and International Political Economy in the Third World Nations: Multinational Corporations, Foreign Aid and Repression**. New York: McMillan.
10. Meyer, William H. and Boyka Stefanova (2001) "Human Rights, The UN Global Compact and Global Governance." **Cornell International Journal of Law**, Vol. 34, No. 501.
11. Monshipouri, Mahmood, Claude E. Welch, Jr. and Evan T. Kennedy (2003) "Multinational Corporations and the Ethics of Global Responsibility: Problems and Possibilities." **Human Rights Quarterly**, Vol. 25.
12. Nelson, Jane (1996) "Business as partners in International Business Leaders Forum." UNDP and World Bank Publication.
13. Nelson, Jane (2002) "Building partnership: United Nations and International Business Leaders Forum." UNDP and World Bank Publication.
14. O'Brien, Robert and Marc Williams (2004) **Global Political Economy: Evolution and Dynamics**. New York: Palgrave McMillan.
15. Pinkney, Susan (2005) "Multinational Corporation, Corporate Social Responsibility and Conflict." available at www.globalpolicy.org.
16. Rabinson, Mary (2002) "Ethics, Human Rights and Globalization.", lecture presented at the University of Tübingen, Germany, Monday, 21, January 2002. available at: www.weltethos.org/pdf_dat/rob_eng.pdf.
17. Ratner, Steven (2002) "Corporations and Human Rights: A Theory of Legal Responsibility." **Yale Law Journal**, Vol. 111, No. 443 available at www.heinonline.org.
18. Ruggie, John Gerald (2004) "Reconstructing the Global Public Domain: Issues, Actors and Practices." The Kennedy School of Government: Corporate Social Responsibility Initiative, Working Paper No. 6, (December 2004), Available at

19. UN Charter-based Literature Database (2000) "Proposed Draft Human Rights Code of Conduct for Companies." (UN Working Paper , 25 May).available at www.unchr.ch/huridocda/huridocda.nsf.
20. Whitehouse, Lisa (2003) "Corporate Social Responsibility, Corporate Citizenship and the Global Compact: A New Approach to Regulating Corporate Social Power?" **Global Social Policy**, No.3 .
21. Zerk, Jennifer (2006) **Multinationals and Corporate Social Responsibility**. Cambridge: Cambridge University

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"گزارشی از دوره مطالعات عالی مرکز دانشگاه اروپایی برای مطالعات صلح"، شماره ۳۷، سال ۸۶؛ "گزارشی از عملکرد مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران"، شماره ۴۰، سال ۷۷؛ "حقوق و توسعه"، شماره ۴۵، سال ۷۸؛ "اقدامات بین‌المللی در حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت"، شماره ۵۸، سال ۸۱؛ "جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل"، شماره ۴، زمستان ۸۷؛ "تحکیم صلح ملل متحد؛ چالش‌های پیش‌رو"، شماره ۴، سال ۸۸؛ "بررسی تأثیرات زیان‌بار تولید، تجارت و استفاده غیرقانونی سلاح‌های کوچک، اسلحه‌های سبک"، شماره ۲، تابستان ۸۹.

Archive SID